

برخی مواقع سؤالی اگر گفته شود جوابش چه منفی باشد چه مثبت برای منافع ملی مضر است. بعضی مسائل جزئی و بعضی هم کلیات است که اشکال ندارد که چند صدایی باشد اما مثلاً یکی می گوید ما در سوریه نیرو داریم، دو تا مسأله است یعنی هم واقعیت ندارد و هم اگر درست باشد نباید گفت. بنابراین هر بحثی منظور رئیس مجلس نبوده است.

نظر خودتان در مورد این مذاکرات و نتایج کار چیست؟

ما طبق توصیه رهبری در یک سیاست راهبردی جدید با عنوان نرمش قهرمانانه وارد شدیم. پیشنهاد ما هم یک بازی برد برد است و تصور می کنیم که می توانیم یک بازی با طرف مقابل طراحی کنیم که دو طرف ضرر نکنند. گفتیم حاضریم این را تجربه کنیم اما رقیب و دشمن ما باید بدانند که ما به محض این که احساس کنیم طرف مقابل می خواهد بازی برد برد را به بازی برد باخت تبدیل کند ما این بازی را ۳۵ سال تجربه کرده ایم و سؤال ما این است که در این بازی برد باخت ۳۵ ساله چه طرفی برده و چه طرفی باخته است؟ اما یک موقعیتی ایجاد کردیم که طرفین در یک بازی برد برد حرکت کنند و بر این اساس از دیپلمات های خود حمایت می کنیم. البته دقیق هم آن ها را رصد می کنیم و مراقبیم.

شما در مورد انتخابات ریاست جمهوری گفتید سه ضلع دولت، اصلاح طلبان و اصولگرایان در انتخابات خواهند بود چرا اینگونه نشد؟ و برای مجلس چه نوع آرایشی را پیش بینی می کنید؟

من می خواهم به این سؤال شما جواب دهم و طور دیگری بگویم و آن اینکه واقعاً بحث در مورد انتخابات مجلس بسیار زود است. نه اینکه بخواهم پنهان کاری کنم اما دولت یازدهم و مجلس نهم مسائل قابل کار زیادی دارند از جمله اقتصاد مقاومتی و مذاکرات هسته ای. همین طور عمر دولت یازدهم که ۳/۵ سال باقی دارد و مجلس ۲/۵ سال و این یعنی ۲/۵ سال باید همین دولت و مجلس با هم کار کنند. اگر قرار باشد این ۲/۵ سال را صرف کنیم برای اینکه آن یک سال چه می شود که ظلم بزرگی است. هم افزایی و همکاری را باید داشته باشیم و ۶ ماه مانده به انتخابات وارد رقابت شدیدی می شویم. اما الان زود است و مسائل مهم مملکت نباید تحت الشعاع مسائل سیاسی قرار گیرد.

بحث استیضاح هایی که در مورد وزیران انجام می شود را با توجه به زمان کمی که از دولت گذشته تا چه حد سودمند می دانید؟

در ابتدا باید بگویم که من یک ادعایی دارم. اولاً طبق قانون اساسی ۱۰ نفر از نمایندگان می توانند تقاضای استیضاح کنند و با توجه به تجربه ۷ دوره مجلسی که دارم ما به ۱۱ دولت بعد از انقلاب، کم و زیاد کار کردم، من ادعا دارم که هیچ وزیری در هیچ زمانی نبوده که حداقل ۱۰ مخالف جدی نداشته باشد و این ۱۰ نفر می توانند یک طرح استیضاح امضا کرده و وزیری را استیضاح کنند. یک موقع استیضاح اعلام وصول می شود و وزیر هم به مجلس می آید اما این به معنای موافقت ما با استیضاح نیست و ما مجبوریم طبق قانون اساسی و آیین نامه، طرح استیضاح را در دستور قرار دهیم اما همه تلاش خود را می کنیم که به اینجا نرسیم. بنابراین ممکن است فردا بشنوید برای وزیری استیضاح امضاء شده باشد و ما هم تکذیب نمی کنیم اما این تا تأیید شود یا نشود فاصله طولانی دارد.

نظر شما چیست و اینکه این استیضاح ها چقدر فایده دارد؟

من مفید نمی دانم و مخالفم. یک وزیر باید فرصت داشته باشد. اما این استیضاح گران هم یک استدلال دارند و می گویند ممکن است وزیری بلد نباشد یا تازه کار باشد اما کسی که ۳۰ سال در رأس کار بوده با همین اقدامات او می توانیم پیش بینی آینده را انجام دهیم و می خواهند پیشگیری کنند البته باز هم مذاکره می کنیم تا به استیضاح نرسد.



باتشکر از وقتی که در اختیار روزنامه خراسان قرار دادید.

از دولت احمدی نژاد بوده یا کمتر و قصد مقایسه هم نداشته و از کارهای غلط گذشته دفاع نمی کنم.

برخی افراد به کارهای اقتصادی دولت ایراد می گیرند که الگوی کار گزارانی و غربی اقتصادی که تجربه دهه ۷۰ را یادآوری می کند در این دولت روی کار آمده است. چقدر موافق این نقد هستید؟

اول باید این بحث را داشته باشیم که دهه ۷۰ و دولت هاشمی خوب یا بد بود. من علی رغم اینکه انتقاداتی به دوران سازندگی دارم اما در دوران سازندگی ما جهش های بزرگی در اقتصادمان داشتیم. اگر چه در این ۳۵ سال بعد از انقلاب شاخص های عمده ما خوب نبوده و همیشه شاخص تورم و بیکاری ما ۲۰ رقیمی بوده که بد است اما این را به هیچ دولتی منسوب نمی کنم چون در همه این دولت ها بوده و تنها برخی مواقع کمی بهتر شده یا بدتر شده و بعضی وقت ها خیلی بدتر شده است. ما باید تلاش کنیم در جهت توصیه رهبری عمل کنیم که فرمودند "دولتی بیاید که نقاط مثبت دولت گذشته را داشته باشد اما نقاط منفی دولت قبل را نداشته باشد" دولت یازدهم باید از تجربه ۱۰ دولت استفاده کند و اگر دولتی بیاید و از ۴ سال عمر خود سه سال بد و بیراه به دولت قبلی بگوید که نمی شود و باید ۶-۵ ماه از دولت گذشته گفت و بقیه را به سمت جلوفرت.

این انتقاداتی که داشتید بیشتر به صورت علنی بوده آیا به شکل غیر علنی هم به دولت یا شخص روحانی تذکراتی داشته اید؟

نامه که گاه می نویسیم اما نقدهایی که داشتیم، نقد به کارهای انجام شده نیست، بلکه به کارهایی که باید شروع می شده اما نشده نقد دارم. نگرانی هایی وجود دارد. برخی مسائل مثل تورم یا بیکاری را مردم حس می کنند اما عدم تعادل بودجه کشور را که سم مهلکی هم هست مردم حس نمی کنند و کاری ندارند، مثلاً رهبری از برنامه چهارم گفتند که باید بودجه عمومی و حداقل بودجه جاری کشور از نفت بی نیاز باشد و این به این معنی است که مالیات ها و درآمدهای غیر نفتی جواب هزینه های جاری را بدهد اما وقتی می بینیم سرعت هزینه های جاری ۱۸۰ و مالیات ها ۱۰۰ کیلومتر است هر سال عقب تر می افتیم. الان بعضاً وابستگی ما به نفت بیش از شروع برنامه پنجم است که این مسائل را مردم خیلی کاری ندارند. از این نوع مسائل که حداقل ۱۰ مورد را من جمع کرده ام و با آقای روحانی در مورد آن ها مفصل صحبت کردم. همین طور با جهانگیری معاون اول رئیس جمهور، بازنگنه وزیر نفت و آخوندی وزیر راه و شهرسازی صحبت کردم چون در بحث های ما با این آقایون خیلی کاری به مسائل جزئی ندارم و بیشتر مباحث کلان را مطرح می کنم. بسیار امیدوارم که در این مسائل دولت و مجلس سر خط بیابند و کمک کنند که اگر این همکاری شکل بگیرد درست می شود اما اگر غفلت شود چند سال دیگر بهمنی می شود که هزینه های زیادی خواهد داشت.

انتقادات تند مجلس از توافق ژنورا چطور ارزیابی می کنید؟ یک گروه خاصی در مجلس که نزدیک به جبهه پایداری است این انتقادات تند را مطرح می کنند یا این نظر و برآیند کل مجلس است؟

فعلاً مجلس در یک حالت صبر و انتظار است. یعنی یک حالت خوف و رجا دارد. از طرفی امیدوار به آینده است و از طرفی نگران وضعیت است. کلیت مجلس این است. البته اشکال هم ندارد چند صدایی باشد و عده ای تندتر یا کندتر باشند و حمایت و یا نقد کنند. مهم این است که شاخص مجلس بتواند توصیه رهبری را اجرا کند و بداند که ما درگیر یک جنگ تمام عیار دیپلماتیک هستیم و به هیچ عنوان به طرف های مذاکره کوچکترین اعتمادی نداریم.

شما سخنی از فضای چند صدایی در مجلس داشتید اما آقای لاریجانی در یک جلسه غیر علنی در مجلس از بحث های مطرح شده در صحن علنی راضی نبود و تذکراتی داشت؟

بله برخی مسائل کلی هست که درست نیست مطرح شود چون

شدند اما اگر اصولگرایان در کشور به هیچ عنوان به روحانی رای نمی دادند، او با این اختلاف کم انتخاب نمی شد و وی در مرحله اول به ریاست جمهوری نمی رسید چون معتقدم و ادعا دارم حداقل بیش از یک میلیون نفر از اصلاح طلبان به روحانی رای دادند و سهمی در پیروزی وی داشتند. سهم اصلاح طلبان از پیروزی روحانی بسیار بالا بود اما این به این معنی نیست که اصلاح طلبان از اصولگرایان بردند.

شما همیشه می گوید اعتدالیون در انتخابات برنده شدند و این نتیجه کار افراطی دولت های اصلاح طلب و اصولگرای قبلی بوده، اما خود خاتمی و آنچه شما احزاب تندرو اصلاح طلب می نامید از روحانی حمایت کردند و در این موفقیت تأثیر داشتند. با این مسأله چطور کنار می آید؟

ببینید زمانی من نمی توانم به صد برسم و مجبورم به ۹۰ رضایت دهم و شاید به ۱۵ هم برسم و به کف راضی شوم. چند وقت قبل هم آقای عارف گفت اگر موقعیتی پیش بیاید من ناگفته هایی از انتخابات ۹۲ را می گویم. من می گویم آن شاء.. عارف این حرف ها را نزن اما اگر بگوید معلوم می شود چه عناصری به روحانی رای دادند یا ندادند. معلوم است که این عناصر تندرو رای ندادند و این را سر بسته می گویم.

حدود ۶ ماه از دولت یازدهم گذشته است. با توجه به اینکه شما تأییدات و انتقادات زیادی در مورد دولت داشته اید تحلیلتان از رویکرد های کلان دولت در حوزه های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی چیست؟

من مجموعاً عملکرد دولت را مثبت تلقی می کنم و بسیار هم به آینده دولت امیدوارم اگر چه ممکن است یواش یواش این امیدها نازک شود ولی به این معنی نیست که به آستانه ناامیدی رسیده ایم. مادر جریان دولت روحانی و به دلیل ساختاری که خود رئیس جمهور دارد و من ۱۶ سال با ایشان در مجلس کار می کردم می دانم که روحانی شعار هایش مصرف انتخاباتی نداشت و ذات او همین هاست. یعنی اعتدال، فرا جناحی بودن، خردگرایی و مشورت جزو فلز روحانی است. البته اینکه همه انتخاب های ایشان را می پسندم این جور نیست و اگر من می خواستم کابینه را بچینم شاید یک تعداد زیادی از وزرا را معرفی نمی کردم. این ها آدم های قدرتمند و مجرب هستند که اشکالات ریزی هم دارند اما در مجموع من امیدوارم بعضی از اشکالاتی که وجود دارد و کم کم در حال روشن شدن است دولت بتواند آن ها را حل کند البته این هایی که می گویم تخریب نیست بلکه یک نصیحت مشفقانه است. چون واقعاً علاقه داریم دولت موفق شود. مثلاً در دولت روحانی ۷-۸ سردار اقتصادی وجود دارد که فهمیده، خردگرا و با تجربه هستند اما یک مشکل دارند و آن اینکه اینها یک فرامانده کل ندارند و به اصطلاح یک سر لشکر برای این سرپرست هان نیست. اگر هر کدام از اینها بخواهند یک مرجع اقتصادی باشند به سرعت به مشکل می خورند البته نه اینکه روحانی توان مدیریت را ندارد اما کار بسیار سختی است و حتماً پایین تر از روحانی باید کسانی باشند که مدیریت کنند یا مثلاً ما خیلی امیدوار بودیم که این نصب ها و عزل های گسترده که در دولت های گذشته بوده است در این دولت قطع گردد. البته طبیعی است که با تغییر دولت حدود ۲۰۰ پست سیاسی هم عوض می شود مثل وزرا، استانداران و سفرای کشورهای مهم؛ اما در مملکت ما اتفاقی که می افتد این است که این مسئله در همه دولت های هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد بوده و من هم گفتم و اعتراض کردم. اما این ۲۰۰ نفر اگر بخواهند ۱۰۰ نفر عوض کنند یک روند غلط است که بسیار هزینه بر است و باید در زمان یک دولت عاقل قطع گردد. این توجیه که قبلی ها چنین کردند پس ما هم چنین کاری را می کنیم درست نیست. اتفاقا یکی از امیدهای ما به دولت روحانی این بود که کارهای غلط گذشته، اگر چه در بسیاری از دولت ها بوده، در این دولت قطع شود و الا اگر قرار باشد همه را به عنوان بدون بلیت پیاده کنید آن وقت همه وقت دولت به این عزل و نصبها می رسد.

آمار رسمی هم از این تغییرات مدیریت دارید که بتوان مقایسه ای با دولت گذشته داشت؟

خیر آماری ندارم، من اصلاً کاری ندارم که این تغییرات بیشتر